

سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی درباره:

«بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی در کشور»

۲. تجارب کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تأکید بر کشور ایتالیا

(سخنرانی آقای دکتر علی امامی میبیدی)

به نام خدا

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۲
مقدمه.....	۳
۱. کارآفرینی در اروپا.....	۴
۱-۱. منشور دهگانه اروپا برای صنایع کوچک.....	۵
۱-۲. کارآفرینی در ایتالیا.....	۶
۱-۳. مؤسسه توسعه ایتالیا.....	۱۰
۲. ایچه (ICE) مؤسسه تجارت خارجی ایتالیا.....	۱۱
۲-۱. کارآفرینی در دانشگاه‌های ایتالیا.....	۱۲
۲. سازمان کارفرمایان صنایع کوچک و اتحادیه‌های کارگری.....	۱۳
۳-۱. مرکز بین‌المللی آموزشی «تورین» در ایتالیا.....	۱۳
۴. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها.....	۱۵
۵. پرسش و پاسخ.....	۱۶



سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی درباره:
«بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی در کشور»
۲. تجارب کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تأکید بر کشور ایتالیا
(سخنرانی آقای دکتر علی امامی میبیدی^۱)

زمان برگزاری: چهارشنبه ۱۳۸۵/۴/۱۴، ساعت ۱۴:۳۰ الی ۱۶:۳۰

شرکت‌کنندگان

- نمایندگان محترم عضو کمیسیون‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی.
- دفاتر مطالعات برنامه و بودجه، فرهنگ و فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- کارشناسانی از معاونت امور کارآفرینی - وزارت کار و امور اجتماعی
- کارشناسانی از دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کارشناسانی از جهاد خودکفایی - سازمان صدا و سیما
- کارشناسانی از معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، سازمان گسترش و نوسازی صنایع، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان مدیریت صنعتی، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی - وزارت صنایع و معادن
- کارشناسانی از معاونت فناوری، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- کارشناسانی از دفتر امور اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری - وزارت جهاد کشاورزی
- کارشناسانی از وزارت آموزش و پرورش.
- کارشناسانی از معاونت امور تولید، معاونت اجتماعی و معاونت اقتصادی - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
- کارشناسانی از سازمان همیاری اشتغال و فارغ‌التحصیلان، مرکز رشد فناوری اطلاعات - جهاد دانشگاهی
- کارشناسانی از سازمان ملی جوانان.
- کارشناسانی از سایر مؤسسات و مراکز پژوهشی: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، نشریه رشد

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.



فناوری، خبرگزاری اقتصاد، اندیشکده صنعت و فناوری، دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری (پارک فناوری پردیس).

پیشگفتار

امروز نقش مسلم نوآوری و کارآفرینی بر تحقق اقتصاد دانایی و رسیدن به توسعه پایدار جوامع آشکار شده و به دنبال خود توجه بسیاری از محافل دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، از حیث نظریه‌پردازی و نیز عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سراسر دنیا را به خود معطوف کرده است.

در این رابطه، موضوع کارآفرینی از جنبه گذار از سطح موجود و تقریباً ثابت به سطح بالاتر و پویای اقتصاد، توجه بسیاری از سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و اقتصاددانان کشورهای توسعه‌یافته و به ویژه کشورهای در حال توسعه را به سمت خود سوق داده است.

در کشور ما نیز براساس قانون برنامه چهارم توسعه و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله کشور رسیدن به توسعه دانایی محور و کسب جایگاه برتر علمی و فناوری مورد تأکید قرار گرفته که به نظر می‌رسد لزوم توجه بیش از پیش به مقوله کارآفرینی به دلیل نقشی که در تحقق اهداف مذکور ایفا خواهد کرد ضرورت می‌یابد.

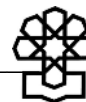
از این رو، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس - گروه اقتصاد کلان - به‌عنوان نهاد علمی پشتیبانی‌کننده از نهاد مقدس مجلس شورای اسلامی - در سال جاری بنا به تشخیص ضرورت مورد اشاره و نیز درخواست نمایندگان محترم، برنامه‌ریزی و تدوین راهکارهای توسعه کارآفرینی با تأکید بر شناسایی بسترها و اقدامات قانونی و نهادی مرتبط را در دستور کار خود قرار داد که در اولین مرحله از برنامه مذکور شش کارگاه آموزشی و هم‌اندیشی درباره کارآفرینی متعاقب آن برگزار شد. این کارگاه‌ها اهداف، راهبردها و برنامه‌های زیر را تعقیب کردند:

اهداف بلندمدت (چشم‌انداز)

- شناسایی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار برای فراهم کردن فضای مناسب کسب و کار و فعالیت‌های کارآفرینانه در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری بخش عمومی.
- بسترسازی برای ایجاد بسترسازی و ایجاد اشتغال مولد و نیز تحرک عوامل تولید از طریق اصلاح ساختارهای حمایتی و برنامه‌ریزی در جهت طرح جامع توسعه کارآفرینی در کشور.

اهداف کوتاه‌مدت

- شناسایی نیازهای قانونی و نهادی کارآفرینان،
- تبیین موانع پیش روی کارآفرینی در کشور،



- تبیین نقش کارآفرینی در تحقق اهداف توسعه کشور.

راهبردها

- تعیین نقش نیروی کار جوان و دارای تحصیلات عالی در پیشبرد کارآفرینی،
- شناخت تاریخچه و ارائه تجارب و عوامل رسیدن به موفقیت کارآفرینان جوان و باتجربه،
- معرفی نقش حمایت‌های مالی و برنامه‌های مختلف در حمایت از حقوق کارآفرینان،
- ترویج اقتصاد کارآفرینانه برای گذار از اقتصاد مدیریت شده،

برنامه‌ها

- دعوت از اساتید فن و صاحب‌نظران کارآفرینی کشور برای همکاری و تعامل با گروه اقتصاد کلان،
- تدوین و مستندسازی منابع، مطالعات و به ویژه پیاده‌سازی کارگاه‌های کارآفرینی در قالب کتاب کار،
- راه‌اندازی انجمن کارآفرینی کشور از طریق شبکه نخبگان مرکز پژوهش‌های مجلس با حمایت و همکاری فراکسیون اشتغال و کارآفرینی مجلس شورای اسلامی و وزارت کار و امور اجتماعی،
- برگزاری همایش با عنوان «کارآفرینی و اقتصاد دانایی بستر تحقق اشتغال مولد و رسیدن به اهداف چشم‌انداز بیست ساله».

بدین منظور، آن چه پیش‌رو قرار دارد مجموعه مباحثی است که در قالب سومین کارگاه هم‌اندیشی ارائه شده است. بدیهی است نگاهی بر تجارب کشورهای مختلف درباره کارآفرینی، در هنگام برنامه‌ریزی و طراحی چارچوب حمایت و توسعه کارآفرینی در کشور دارای اهمیت بالایی است. هر چند بیش از آن، توجه به تفاوت‌ها، شباهت‌ها و میزان تطابق تجارب مذکور با محیط و شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور تدقیق بیش‌تری را می‌طلبد. امید است مجموعه مباحث ارائه شده مورد استفاده محققان، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ایران اسلامی واقع شود.

در همین‌جا، از تمام صاحب‌نظران و محققان برای همکاری و دریافت نظرات و پیشنهادهای دعوت به عمل می‌آید. در ضمن نمایه مطالب ارائه شده در کارگاه‌ها از طریق سایت شبکه نخبگان به آدرس www.nokhbe.ir قابل دسترس است.

مقدمه

امروز کارآفرینی^۱ به‌عنوان عامل و منشأ اصلی ابداعات، رقابت، رشد و توسعه، اقتصاد پایدار شناخته شده و در اروپا نیز به کارآفرینان به‌خصوص در قالب کسب و کارهای کوچک توجه

1. Enter preneurship



خاصی شده است. در اقتصاد اهمیت شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ به تدریج افزایش یافته است که دلایل آن عبارتند از:

- از اواسط دهه ۱۹۷۰ پیشرفت‌های تکنولوژیکی نقش اقتصاد مقیاس را در صنایع به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است.
- تغییرات در ترکیب و ساختار جمعیتی نیروی کار به انعطاف‌پذیری بیشتر در بازار کار منجر شده است.
- تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان منجر به افزایش تقاضا برای دسترسی به کالاهای متنوع شرکت‌های کوچک شده است.
- مقررات‌زدایی، اصلاحات ساختاری و خصوصی‌سازی مقدمات تسریع در رشد شرکت‌های کوچک را فراهم کرده است.
- اهمیت بسیار ابداع، نوآوری، خلاقیت در کاهش هزینه‌های تولید نسبت به اهمیت نسبی تولید کالا در مقیاس وسیع نیز مؤثر بوده است.

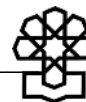
به‌طور خاص، ارتباط کارآفرینی و شرکت‌های کوچک به این نحو بیان می‌شود که: «کارآفرینی عاملی است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آن‌ها در جمعیت بهره‌وری و تأمین منافع ملی میسر شده و شرکت‌ها و بنگاه‌های بهره‌ور و خلاق ایجاد شوند تا موجبات رشد و توسعه همه جانبه فراهم شود». در این مقاله تلاش شده تا ابعاد گوناگون کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تأکید بر کشور ایتالیا به‌طور اجمال بررسی شود.

۱. کارآفرینی در اروپا

در سال‌های اخیر با توجه به نقش مؤثر و مثبت کارآفرینان اقتصادی برای رویارویی با مشکلاتی چون، رکود، تورم و بیکاری کارآفرینی مورد توجه خاص اروپاییان قرار گرفته و در این باره سیاستگذاری‌های عمده‌ای در سطح اروپا صورت گرفته است.

در مارس ۲۰۰۰ شورای اروپا، برنامه استراتژی اصلاحات ساختاری را تا سال ۲۰۱۰ در «لیسبون پرتغال» مورد تصویب قرار داد که به «استراتژی لیسبون» معروف است.

این استراتژی، کارآفرینی و راهکارهای تشویق شرکت‌های کوچک و متوسط را مدنظر قرار داده است. متعاقباً در این راستا در ژوئن سال ۲۰۰۰، «منشور اروپا برای صنایع کوچک» ۱۰ محور عمده را مورد تصویب قرار داد که به شرح زیر است:



۱-۱. منشور دهگانه اروپا برای صنایع کوچک

۱. آموزش و تعلیم کارآفرینی: اطلاعات عمومی درباره نیازهای کارآفرینی باید در تمام سطوح آموزش ابتدایی تدریس شده و مدل‌های خاص مرتبط با کارآفرینی در ردیف دروس اصلی دبیرستان‌ها، کالج‌ها و دانشگاه‌ها قرار گیرد.

۲. کاهش هزینه‌ها (ارزانی) و سرعت بخشی: در فرایند تأسیس شرکت باید هزینه‌های تأسیس شرکت کاهش یافته و مراحل ثبت شرکت‌ها سریع‌تر انجام شود.

۳. تهیه، تدوین و تصویب قوانین و مقررات مناسب: قانون ملی ورشکستگی مورد ارزیابی مجدد و اصلاح قرار گیرد. در ضمن شرکت‌های کوچک باید از برخی قوانین و مقررات استثنای شده، شرایط رشد و توسعه بیشتر اینگونه شرکت‌ها فراهم شود.

۴. دسترسی به مهارت‌ها: مؤسسات و نهادهای آموزشی مختلف باید در راستای ارتقای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای کارگران و همچنین تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز صنایع کوچک تلاش کنند.

۵. ارتقای دسترسی به اطلاعات به روز: مسئولین باید تلاش کنند تا تبادل الکترونیکی اطلاعات با بخش صنایع کوچک به سهولت انجام گیرد و شرکت‌های کوچک دسترسی راحت، آسان، ارزان و مناسب از طریق اینترنت به اطلاعات را داشته باشند که مرتبط با فعالیت‌های خودشان باشد.

۶. اقدامات بیشتر در راستای بازار واحد اروپایی: در این استراتژی قید شده که جامعه اروپایی باید قوانین خود را به نحوی تنظیم و تدوین کند که شرکت‌های کوچک کشورهای عضو بتوانند به راحتی در بازار اروپا رقابت کنند و با رقابتی عادلانه و منصفانه بتوانند به کشورهای عضو، کالاهای خود را صادر کنند.

۷. موضوع مالی و مالیاتی: باید کشورها نظام مالیاتی‌شان را به منظور توسعه صنایع کوچک و ایجاد مشاغل جدید تغییر داده و اصلاح کنند. به طوری که مؤسسات مالی و اعتباری کشورهای عضو، آن اعتبارات لازم را راحت و با شرایط ساده‌تر در اختیار شرکت‌های کوچک کشورها قرار بدهند.

۸. تقویت ظرفیت و توان تکنولوژیکی و فنی شرکت‌های کوچک.

۹. حمایت از مدل‌های تجاری و الکترونیکی و همچنین حمایت از شرکت‌های کوچک موفق.

۱۰. توجه بیشتر به خواسته‌ها و نیازهای شرکت‌های کوچک در جلسات کمیسیون اروپا.

در راستای اجرای این ۱۰ محور، در فوریه ۲۰۰۴ برنامه‌هایی مورد تصویب قرار گرفت. در قالب اجرائی کردن این محورها، اقدام مهم مربوط به برنامه اجرایی بود، (یعنی به چه نحوی این محورها را اجرائی کنند).

این ۱۰ محور خوب و عالی است و آن چیزی که مهم‌تر است این‌که:



در فوریه ۲۰۰۴ برنامه اجرایی^۱ آن‌ها تدوین شد، برای عملیاتی کردن این محورها پیش‌بینی شد که در هر سال در خرداد ماه یک کنفرانس و Workshop تهیه و تدارک ببینند تا کشورهای عضو جمع شده و اقداماتی که درباره این محورها انجام داده‌اند را توضیح بدهند. اولین جلسه و اجلاس در ژوئن ۲۰۰۵ در لوکزامبورگ بود که در آن، کشورها تجربیات خود را منتقل کردند و قرار هم بر این بود که فقط بر ۳ محور از ۱۰ محور فوق، کار کنند. در مورد این سه محور صحبت شد و هر کشوری تجارب خویش را ارائه داد. از جمله «لوکزامبورگ»، که نماینده‌اش مطرح کرد که ما ماجرای داستانی «بیل و بول»^۲ را که کارتونی، خنده‌دار و فکاهی است، تدریسش را در دوره ابتدایی برای حداقل ۳ هفته اجباری کرده‌ایم. مضمون داستان به این صورت است که «بول» به پول نیاز دارد تا دوچرخه‌ای بخرد و براساس ایده تجاری ساده‌ای، اقدام به تأسیس شرکتی می‌کند و آن دوچرخه را می‌خرد. با این هدف که به دانش‌آموزان اهمیت تأسیس شرکت‌ها را در اقتصاد کشور یادآور شود و دانش‌آموزان را با یکسری مفاهیم مالی، قانونی و حقوقی تأسیس شرکت و از این‌گونه مسائل آشنا کند.

۲-۱. کار آفرینی در ایتالیا

کشور بعدی که در نظر داریم تجربیات آن را ارائه کنیم ایتالیا است و ایتالیا در این مورد بیان داشت که: «ما برنامه کار و تحصیل را به‌طور متناوب در منطقه‌ای از ایتالیا پیاده کردیم و هدفمان این است که دانش‌آموزان را با بازار کار آشنا کنیم».

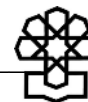
تجربه بعدی مربوط به کشور آلمان بود. نماینده آن کشور اظهار داشت که:

«ما سال ۲۰۰۴ را به نام «سال تکنولوژی» نامگذاری کردیم. براساس این نامگذاری سریال‌های مختلفی تهیه کردیم که از تلویزیون پخش شد، تا به این وسیله فرهنگ کارآفرینی را تبلیغ کنیم همین‌طور اهمیت کارهای فنی و مهندسی را با انواع مختلفش برای بینندگان مشخص کنیم. سال ۲۰۰۴، «سال تکنولوژی» در آلمان بود».

کشور بعدی، سوئد بود که تجاربش را این‌گونه عنوان کرد:

«در سایت کامپیوتری ما «سایت راهنمای کارآفرین» را در اینترنت ایجاد کردیم».

این سایت که به زبان سوئدی است تمام قوانین، مقررات، نحوه ثبت شرکت به شکل آسان و روان آمده است و از طریق نرم‌افزارهای کامپیوتری می‌توان با تبدیل به برنامه‌های زبان انگلیسی، آن را قابل استفاده برای انگلیسی‌زبانان کرد.



دومین کنفرانس در خرداد ماه امسال در «وین - اتریش» برگزار شد که بر ۳ محور دیگر بحث کردند. کل مباحث ارائه شده، در این سایت به زبان‌های مختلف از جمله زبان انگلیسی وجود دارد که دوستان می‌توانند به سایت ذی‌ربط مراجعه کرده، دانلود^۱ کنند. سخنران‌ها تجارب کشورهایشان را در این اجلاس مطرح کرده‌اند.

همچنین مطالب بنده، که درباره کنفرانس ۲۰۰۵ مطرح کردم هم، در سایت به‌طور کامل وجود دارد. همان‌طور که می‌دانید «اینکوباتورها»^۲ مراکز عمده رشد، توسعه و تأسیس شرکت‌ها هستند که هدف آن‌ها آموزش به صورت «پایلوت» برای ایجاد شرکت است. جامعه اروپا به دلیل نقش کارآفرینی و مسائل مرتبط با آن به تأسیس «اینکو باتورها» - در سال ۱۹۸۴ - کمک کرد.

در حال حاضر در اروپا ۱۶۰ اینکوباتور در ۲۱ کشور عضو، وجود دارد. «اینکوباتورها» با هم همکاری می‌کنند. میان «اینکوباتورها» شبکه‌ای هماهنگی ایجاد می‌کنند که مقر آن‌ها در «بروکسل» است.

«اینکوباتورها» در زمینه‌های مختلف مثلاً IT، کشاورزی و... خدماتی ارائه می‌دهند. خود این شبکه که به نام «بیک»^۳ معروف است (به کل شبکه هم EBN می‌گویند)^۴ سایتی دارد که می‌توان از اطلاعاتش استفاده کرد.

این‌ها، مباحث کلی از اروپا بود که مطرح شد. مهم‌ترین آن‌ها «ایتالیا» است و ایتالیا هم به دلیل دارا بودن صنایع منسجم و فعال کوچک در دنیا مشهور است. بیش از ۹۲ درصد صادرات ایتالیا به وسیله شرکت‌های کوچک و متوسط این کشور صورت می‌گیرد. ایتالیا در زمینه‌های مختلف از جمله کفش، پوشاک، کریستال، طراحی مد^۵ و لوازم خانگی بسیار مشهور و قادر به رقابت است.

۱-۲-۱. علل پیشرفت صنایع کوچک

در بررسی‌های صورت گرفته، علل پیشرفت صنایع کوچک در ایتالیا به قرار زیر است:

۱. سهل بودن قوانین و کم بودن فشار بر روی شرکت‌ها

از طریق تسهیل قانون و مقررات، در دهه گذشته شرکت‌ها توانسته‌اند پیشرفت کنند. برای مثال وضع «قانون صنعتگران کوچک» در سال ۱۹۵۶ میلادی است که براساس آن وام‌های کم بهره به صنعتگرانی داده می‌شود که در ازای آن باید زیر ۲۰ نفر کارگر فنی و ماهر را استخدام کنند. به دلیل وجود این قوانین است که شرکت‌های ایتالیایی میلند کم‌تر از ۲۰ نفر نیروی کارگر ماهر را به‌کار

1. Download
2. E Incubators
3. Business Invention Center (BIC)
4. European BIC Network
5. Fashion



گیرند. اگر هم بخواهند رشد داشته باشند به سراغ شرکت‌های جانبی یا سایر شرکت‌ها می‌روند و این قانون را رعایت می‌کنند.

● سندیکای کارگری

به دلیل مسائلی مثل حمایت از دستمزد کارگرها و مسأله تأمین اجتماعی است که در ایتالیا ۳ سندیکای خیلی مهم وجود دارد و می‌توان گفت این سندیکاهای کارگری بسیار قوی کار کرده‌اند و توانسته‌اند با این کار در شرکت‌های کوچک، تهدید را به فرصت تبدیل کنند تا قدرت رقابت با کشورهای دیگر را داشته باشند.

یعنی در جهتی دیگر (با استفاده از فناوری‌های نو، آموزش و به کارگیری روش‌های جدید، ابداعات و...) توانسته‌اند با دیگر کشورها رقابت کنند. اگر چه تأمین اجتماعی و دستمزدها در ایتالیا در سطح بالایی است.

۲-۱. محورهای فعالیت ایتالیا در زمینه کارآفرینی

۱. آشنایی دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان با شرکت‌ها: ایتالیا سازمان کسب و کار و سازمان کارفرمایان دارد که دبیرستان‌ها با آن هماهنگ هستند، دانش‌آموزان سال آخر، از نزدیک شرکت‌ها را بازدید می‌کنند و با نحوه کار شرکت‌ها آشنا می‌شوند.

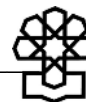
۲. ایجاد سیستم کارآمد آموزش فنی و حرفه‌ای متنوع برای تأمین نیاز شرکت‌های کوچک و متوسط به نیروی ماهر و تکنسینی: از مشکلات موجود در ایران، آموزش فنی و حرفه‌ای است. در کشور ما انواع بیکاری پنهان، آشکار، فصلی و غیره وجود دارد یکی از آن‌ها بیکاری ساختاری است، به این معنی که از یکسو صنایع ما احتیاج به نیرو دارند، از سوی دیگر جوان و نیروی بیکار هم داریم که نمی‌توانند جذب شوند. آن حلقه مفقود برای ارتباط و پاسخ به این نیاز، آموزش فنی و حرفه‌ای است که صنایع ما قادر به جذب نیروهای ماهر نیستند.

در ایتالیا آموزش فنی و حرفه‌ای بسیار متنوع است، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری دوره‌های آموزشی زیادی را برگزار می‌کنند که ضامن اشتغال بیکاران است. مسأله مهم روش تأمین هزینه‌هاست.

بنده در این باره گزارشی تهیه کرده‌ام مبنی بر روش تأمین هزینه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در ایتالیا که چگونه بدون کمک دولت، دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای تأمین مالی می‌شوند و به روش‌های خاص می‌توان این دوره‌ها را ارائه کرد.

۳. برگزاری دوره‌های مهندسی صنایع و مدیریت: این دوره‌ها در بیش از ۲۰ دانشگاه برگزار می‌شود.

۴. تشکیل دوره یکساله کارشناسی ارشد مدیریت شرکت‌های کوچک: این مورد مربوط به



- افراد کمتر از ۲۸ سال است که قصد تأسیس شرکت خانوادگی را دارند. البته در ایتالیا سازمان کارآفرینی جوانان هم وجود دارد که وام بدون وثیقه برای افراد جوان و بیکار تدارک می‌بیند.
۵. تصویب قانون در سال ۱۹۹۲ به منظور ارائه امتیاز به شرکت‌های نواحی محروم اقتصادی.
۶. اجرای طرح مالیات بر درآمد دوگانه: با این هدف، شرکت‌ها برای ندادن مالیات، دوباره سرمایه‌گذاری می‌کنند که این سرمایه‌گذاری مجدد راه حلی برای ایجاد دوباره سود شرکت‌هاست.
۷. ارائه امتیازات به فعالیتهای کارآفرینانه بدیع و مبتکرانه جوانان میان ۱۸ تا ۳۵ ساله: اگر مداوم گفته می‌شود ۱۸ تا ۳۵ ساله به این دلیل است که آموزش ابتدایی و دبیرستان در ایتالیا ۱۳ سال است و از ۵ سالگی وارد مدرسه می‌شوند و ۱۸ سالگی فارغ‌التحصیل می‌شوند و دیپلم می‌گیرند. ۳۵ سالگی هم به این معناست که ۲۰ سال کار می‌کنند و ۶۵ سالگی بازنشسته می‌شوند پس بیشتر روی سن ۱۸ تا ۳۵ سالگی تأکید دارند.
۸. تشویق زنان و جوانان به تأسیس شرکت با کمک اعتبارات مالی و مالیاتی.
۹. پدید آوردن امکان تحقیق و نوآوری و بهره‌گیری شرکت‌های کوچک و متوسط از اختراعات ثبت شده: منظور حق مالکیت معنوی است که در ایتالیا بسیار محترم شمرده می‌شود.
۱۰. تصویب قانون ۳۱۷: این قانون برای دادن امتیازات مالیاتی به شرکت‌هایی است که در زمینه نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند.
۱۱. ارائه کمک‌های مالی به شرکت‌های کوچک و متوسط استخدام‌کننده فارغ‌التحصیلان برای امور تحقیقاتی.
۱۲. آموزش شرکت‌های کوچک توسط اتاق بازرگانی.
۱۳. اهدای جایزه به شرکت‌های کوچک استفاده‌کننده از اینترنت.
۱۴. تألیف کتابچه راهنمای کوچک برای ارائه خدمات به شرکت‌های کوچک: کتابی است که اگر به‌عنوان مثال کسی بخواهد شرکتی تأسیس کند، بداند برای این‌که خدماتی به او ارائه شود به کجا برود (از جمله مشاوره ...).
۱۵. راه‌اندازی سیستم ملی ارتباط از راه دور ثبت شرکت‌ها به وسیله سیستم اطلاعات^۱: افراد بدون مراجعه به محل ثبت شرکت‌ها، می‌توانند شرکت‌شان را خیلی سریع به ثبت برسانند.
۱۶. اجرای طرح گسترش شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در جنوب ایتالیا.
۱۷. تأسیس مؤسسه توسعه ایتالیا.^۲



۱-۳. مؤسسه توسعه ایتالیا

این مؤسسه در سال ۱۹۹۹ از ادغام ۶ مؤسسه یا نهاد تأسیس شد که در زمینه اشتغال و کارآفرینی فعالیت داشتند، وابسته به وزارت اقتصاد بوده، با وزارت کار و وزارت فرصت‌های برابر هم در ارتباط است (ایتالیا وزارت فرصت‌های برابر دارد که میان آقایان و خانم‌ها برابری قائل است). این مؤسسه با این هدف‌های وزارتخانه‌ها ارتباط تنگاتنگ دارد:

- خوداشتغالی
- کارآفرینی

که بیش‌تر بر دو هدف فوق تأکید دارند. علاوه بر این وظیفه عمده، کمیته وزارتی ایتالیا (که از چند وزارت تشکیل شده) ممکن است به این مؤسسه وظایفی واگذار کند. هدف این مؤسسه کمک به جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله برای تأسیس شرکت و کارآفرینی است. یعنی مؤسسه مورد بحث هدفش تربیت کارآفرین است که به تبع آن شرکت‌ها به وجود آمده و اشتغال ایجاد می‌شود. پس تمرکز روی کارآفرین است.

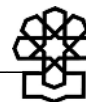
۱-۳-۱. اینکو باتورهای رشد کارآفرینی در ایتالیا (BIC)

«در ایتالیا ۳۴ اینکوباتور وجود دارد. ۲۱ واحد آن‌که متعلق به بخش دولتی است و زیر نظر مؤسسه توسعه ایتالیا کار می‌کنند. ۱۳ مرکز را هم (این آمار متعلق به سال گذشته است احتمالاً تاکنون بر تعداد آن‌ها افزوده شده است) بخش خصوصی اداره می‌کند. هدف و کار اینکوباتورها این است که مدیرانی موفق برای ایجاد کارآفرینی داشته باشند. این هدف ۴ مرحله ذیل را در بردارد:

۱. **تأسیس:** تأسیس بنگاه یکی از مدل‌های موفق بوده که به اهداف رسیده است و بسیاری از محققان و سیاستگذاران کشورهای دیگر از تجارب مؤسسه توسعه ایتالیا استفاده می‌کنند. این مرحله به ارائه طرح‌های تولیدی کمک می‌کند، یعنی به جوانان ایتالیایی آموزش می‌دهد چگونه یک پروژه یا طرحی ارائه بدهند که دارای توجیه اقتصادی باشد، البته در حال حاضر جوانان ایتالیایی با توجه به مراکزی که وجود دارد کاملاً آشنا هستند و می‌دانند که چگونه باید عمل کنند. وقتی طرح از لحاظ مالی و اقتصادی توجیه‌پذیر بود آن را انتخاب کرده با صاحب طرح قرارداد می‌بندند و کارشان بسیار ضابطه‌مند است. به‌طوری که نرخ تأیید و تصویب عملیاتی این پروژه‌ها اکنون ۳۴ درصد است.

۲. **تأمین مالی:** وام‌های کم‌بهره می‌دهند تا هزینه تأسیس شرکت پایین بیاید.

۳. **تکنولوژی و آگاهی علمی مؤسسه:** این مدل مؤسسه به گونه‌ای طراحی شده که نه تنها از



مرحله ابتدایی و تأسیس وارد عمل می‌شود، بلکه حتی می‌تواند عملکرد آن شرکت را هم بررسی کند که چگونه در حال پیشرفت است.

۴. مشاوره‌های تخصصی: در حین کار از طریق صاحب‌نظران خبره به آن شرکت‌ها مشاوره‌های لازم داده می‌شود.

۲-۳-۱. مدل تأسیس بنگاه و مدل خوداشتغالی مؤسسه توسعه ایتالیا

در ابتدا که طرحی پذیرفته می‌شود جایگاه و محلی موقت در اختیار شرکت قرار می‌گیرد تا شروع به کار کند، بعد از این‌که موفق شد آن را در جای اصلی مستقر می‌کند. در مرحله آزمایشی تمام مشاوره‌ها مجانی است، اما بعد از تأسیس شرکت و استقرار در محل اصلی و دائمی پرداخت حق عضویت الزامی است؛ زیرا با پرداخت حق عضویت است که هزینه‌های این مؤسسه تأمین می‌شود.

۳-۳-۱. همکاری‌های بین‌المللی مؤسسه توسعه ایتالیا با دیگر کشورها

تاکنون این مؤسسه با حدود ۱۱ کشور همکاری داشته و تجارب خود را درباره کارآفرینی (مدل تأسیس بنگاه و خوداشتغالی) در اختیار آن‌ها گذاشته است.

آموزش مدل به این صورت است: کشورهایی که می‌خواهند آموزش ببینند هدفشان این است که مدیران کارآفرین تربیت کنند [از جمله این کشورها قبرس، لبنان، مصر، فلسطین، مراکش، روسیه و...]. این مدیران بعد از آموزش دوره می‌توانند دوره‌ای را در کشورشان برگزار کنند. یعنی یک هفته به ایتالیا می‌روند آموزش حضوری می‌بینند، بعد به کشور خودشان برمی‌گردند و در کشور خودشان از طریق اینترنت و ماهواره در ۶ ماه و هر هفته ۲ جلسه و هر جلسه ۲ ساعت (که در واقع ۱۰۰ ساعت می‌شود)، همان مدل کارآفرینی را که آموخته‌اند را آموزش می‌دهند.

۲. ایچه، مؤسسه تجارت خارجی ایتالیا

نهاد دیگری که در ایتالیا نقش بسیار مهمی دارد مؤسسه تجارت خارجی ایتالیاست، با نام ایچه؛^۱ این مؤسسه سابقه‌ای طولانی دارد. از سال ۱۹۲۶ با هدف کمک به وزارت بازرگانی خارجی ایتالیا تأسیس شد. در حال حاضر هدف این مؤسسه این است که صنایع کوچک ایتالیا را بین‌المللی کند. این سازمان در بیش از ۱۰۰ کشور شعبه دارد^۲ کاری که ایچه انجام می‌دهد این است که با توجه به کشور موردنظر، اطلاعات لازم را در

1. ICE (Istituto Commercio Estero)

۲. در ایران، تهران، قائم‌مقام.



اختیار صنایع کوچک ایتالیا قرار می‌دهد و می‌تواند اطلاعات اقتصادی را هم از آن کشور دریافت کند. اطلاعات خوبی دارند، جریان اطلاع‌رسانی آزاد و بدون محدودیت است، به‌گونه‌ای که راجع به شرکت‌های ایتالیایی اطلاعات را در اختیار عموم قرار می‌دهند.

ایچه، از دهه ۱۹۷۰ تا به حال دوره‌های آموزشی بسیاری داشته از جمله یکسری دوره‌های آموزشی بین‌المللی را در کشورها به صورت سمینار و کارگاه برگزار کرده‌اند. بنده در جلسه‌ای که آنجا داشتم با مدیر طرح‌ها و آموزش بین‌المللی ایچه در شعبه مرکزی، دکتر لدگا، بحث و گفتگویی داشتیم.

یکی از کارهایی که این گروه انجام می‌دهند روش سازماندهی افقی^۱ و سازماندهی عمودی^۲ است که به وسیله این روش‌ها شرکت‌هایشان آموزش می‌دهند تا بتوانند کالاهای خود را رقابت‌پذیر کنند. در ضمن ایشان موافقت کردند تا چنین دوره‌هایی را در ایران به شکل سمینار آموزشی در مورد، سازماندهی افقی و عمودی و در رابطه با آموزش رقابت‌پذیر کردن کالاهای صنایع کوچک، برگزار کنند.

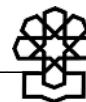
ایچه در ایران شعبه دارد و کلاس‌های مختلفی هم برگزار می‌کند. می‌توان در زمینه برگزاری کلاس‌ها و ارائه سمینارها و آموزش‌های تخصصی از تجربیات آن بهره‌مند شد، زیرا دارای تجربه بوده و هستند، در ۱۰۰ کشور دنیا شعبه دارند، با ۱۶۰۰ پرسنل و در خود ایتالیا ۱۶ اداره منطقه‌ای وجود دارد.

۲-۱. کارآفرینی در دانشگاه‌های ایتالیا

همان‌طور که می‌دانید یکی از وظایف و اهداف دانشگاه، تربیت افراد مورد نیاز آن جامعه و بازار کار آن کشور است و این به دلیل نقشی است که کارآفرینان در آن کشور دارند. در کشور ایتالیا توجه خاصی به دوره‌های کارآفرینی می‌شود. سمینارها و کارگاه‌های مختلفی برگزار می‌کنند.

دانشگاه‌هایی را که بنده ذکر کردم دانشگاه‌هایی هستند که نقش بسیار عمده‌ای در مورد کارآفرینی داشته‌اند، از جمله دانشگاه ترنتو^۳، پلی تکنیک میلان، بولونیا، جنوا،^۴ پاپویا، دانشگاه ناپل دانشگاه باکونی و با این هدف که فارغ‌التحصیلان کشور خود را افرادی ریسک‌پذیر کنند تا بتوانند هم شغل جدید و هم خلاقیت ایجاد کنند؛ در ضمن انعطاف‌پذیر هم باشند، نه فردی محافظه‌کار که دنبال آب باریکه باشد. یعنی ماجراجو بشود و خودش به دنبال کار برود. حتی برخی دانشگاه‌ها هم هستند که دوره کارشناسی کارآفرینی برگزار می‌کنند شما می‌توانید به سایت این

1. Horizontal
2. Vertical
3. Trento
4. Genova



دانشگاهها مراجعه کنید که به توصیف دوره‌های کارشناسی ارشد خود پرداخته‌اند.

۳. سازمان کارفرمایان صنایع کوچک و اتحادیه‌های کارگری

یکی از نهادهایی که در کارآفرینی نقش دارد سازمان کارفرمایان یا صنایع کوچک و اتحادیه‌های کارگری است. در ایتالیا به این سازمان توجه بسیاری شده است و واضح است که بسیار به این مورد علاقه‌مندند و معتقدند که هر چه سازمان کارفرمایان، همین‌طور اتحادیه‌های کارگری قدرتمندتر باشد، دولت باید در مقابل نیازهای مردم و منطقه پاسخگوتر باشد.

در ایتالیا ۳ سندیکای مهم و پر قدرت وجود دارد؛ به‌ویژه درباره صنایع کوچک. مثلاً سازمان‌های صنایع کوچک، کنفدراسیونی دارد که در ایتالیا بسیار مشهور است. این سازمان سعی می‌کند ایده‌ها و خواسته‌های صنایع کوچک را در سازمان‌های محلی و ملی مطرح کند، یعنی از حق و حقوق این شرکت‌ها دفاع می‌کند.

سازمان کارفرمایان دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای هم برای بالا بردن و ارتقای سطح فنی کارگران برگزار می‌کند.

می‌توان به سایت سازمان کارفرمایان مراجعه کرده که البته این سایت به زبان ایتالیایی است ولی قابلیت تبدیل به زبان انگلیسی را نیز داراست. این سازمان دوره‌هایی هم برای کارآفرینان و هم برای کارگران می‌گذارند.

اتحادیه کارگری هم همین اقدامات را انجام می‌دهد و برای دفاع از حقوق کارگران، سعی می‌کند سطح مهارت آن‌ها را بالا ببرند تا به همان نسبت دستمزدها هم افزایش یابد، در مورد قوانین کار که دولت وضع می‌کند مشاوره‌هایی به دولت می‌دهند. این سازمان برای اتباع کشورهای دیگر و مهاجران هم کلاس می‌گذارند.

مثلاً در گزارشی که بنده خواندم از اتباع افغانستان، ترکیه و سنگال و ... نام برده بودند که در دوره‌هایشان شرکت کرده و به تأسیس شرکت‌هایی موفق، در ایتالیا اقدام کرده بودند.

۱-۳. مرکز بین‌المللی آموزشی «تورین» در ایتالیا

این مرکز در اصطلاح بازوی آموزش فنی و حرفه‌ای سازمان بین‌المللی کار است که به‌وسیله ILO^۱ و با کمک دولت ایتالیا در سال ۱۹۶۴ در شمال ایتالیا در شهر «تورین» تأسیس شد.^۲ کشور ما هم جزء ILO است و در دوره‌هایش شرکت می‌کند.

1. International Labor Organization

2. www.ilo.org.



این مرکز سالانه بیش از ۳۵۰ دوره آموزشی برگزار می‌کند. یکی از دوره‌های جالب آن طراحی و آموزش از راه دور است.

برای مثال سال گذشته دوره‌ای را برای اتباع چین برگزار کرد و معتقد است عملکرد خوب و موافقی داشته است.

هزینه‌های این مرکز یا به وسیله دولت ایتالیا یا بانک جهانی یا سازمان ILO یا با کمک دیگر سازمان‌ها تأمین می‌شود.

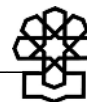
در المپیک زمستانی سال ۲۰۰۶، این مرکز امکانات لازم را در اختیار المپیک گذاشت، در عوض المپیک مثلاً در مورد هزینه، مبلغی قابل توجه به مرکز داد. مسئولان این مرکز معتقدند: با این مبلغ قادرند بسیاری از امکاناتشان را به روز کرده و تجهیزات فراوانی فراهم کنند.

ایران هم در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ تفاهم‌نامه‌ای با این مرکز امضا کرد. در این تفاهم‌نامه (MOU) بندهایی برای دوره‌های آموزشی راجع به همکاری متقابل ایران و ایتالیا وجود دارد. در سالی که ما در ایتالیا بودیم چند دوره در آن کشور اجرا شد. (افرادی که از ایران به ایتالیا می‌روند فقط هزینه مأموریت و سفر، با خودشان است. بقیه هزینه‌ها با مرکز است). یک دوره هم در ایران، در شهرهای تهران و تبریز برگزار شد. تأمین مالی آن دوره‌ها هم از طرف دولت بلژیک و ایتالیا بود که کشور ما آن مبلغ را گرفته و تأمین اعتبار کردیم.

مشکلی را که مسئولان این مرکز از جمله آقای «گرهام» عنوان کردند این بود: افرادی که از طرف ایران برای این دوره‌ها معرفی شده‌اند، به زبان انگلیسی به‌طور کامل تسلط نداشتند [یعنی عدم آگاهی نسبت به زبان انگلیسی] و علاقه‌ای به این کلاس‌ها نداشته، اکثراً مایلند که از شهرهای ایتالیا دیدن کنند، از نظر غیبت، رکورددار جلسه بودند که امیدواریم در آینده در این زمینه دقت بیشتری شود و افرادی اعزام شوند که بتوانند از این دوره‌ها نهایت استفاده را بکنند.

یک بند این تفاهم‌نامه این بود که درباره کارآفرینی پروژه‌ای را در ایران انجام دهند. آن‌ها هم این پروژه را تنظیم کردند با عنوان پروژه کارآفرینی، که در آوریل ۲۰۰۴ این پروژه تحقیقاتی تکمیل شد. به ایران ارائه شد و مورد حمایت دانشگاه تهران هم قرار گرفت. این پروژه دوره چهار ساله‌ای شامل کارگاه‌ها، سمینارها، مشاوره‌ها و ... است که تاکنون اجرا نشده و کسی هم پیگیر آن نیست. احتیاج به یکسری بودجه دارد که باید سفارت ما در ایتالیا و وزارت کار برای اجرائی شدن آن تأمین اعتبار کنند و نیاز به فازبندی دارد.

این مرکز درباره کارآفرینی و خوداشتغالی هم انتشاراتی به زبان انگلیسی دارد که به راحتی قابل تهیه است. در سایت آن لیست انتشارات موجود است می‌توان انتخاب کرد و درخواست داد بعضی از آن‌ها هم رایگان است.



۴. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

در شرایط زمانی موجود کشورها قادر نیستند به تنهایی هر اقدامی را تجربه کنند چرا که هزینه آن بالاست. پس بهتر این است که از تجارب سایر کشورها استفاده کنند. از جمله کشوری که رابطه خوبی با ایران دارد، کشور ایتالیا است که در زمینه‌های مختلف، به‌خصوص صنایع کوچک بسیار موفق است.

نکته‌ای که باید عرض کنم این است که صنایع کوچک ما هم تعدادشان کم نیست. ۹۷/۵ درصد صنایع ما را صنایع کوچک یا متوسط تشکیل می‌دهند، یعنی ما در زمینه تأسیس و ایجاد آن‌ها مشکلی نداریم آنچه که مهم است، ابتکار در این زمینه است و از طرف دیگر بر پا ماندن این صنایع. مثلاً در مدل کارآفرینی اروپایی، که قبلاً ارائه شد شاخص ایتالیا ۸۲ درصد است یعنی ۸۲ درصد از صنایع تأسیس شده بعد از ۵ سال هنوز هم پابرجا هستند که شاخص خوبی است. در ایران به این دلیل که از یک طرف صنایع تأسیس می‌شوند اما دوام ندارند و از طرف دیگر بعد از انقلاب رشد جمعیت وجود داشته و جوانان ما اکنون احتیاج به کار دارند و جنبه سوم مسأله زنان بی‌سرپرست و دیگر موارد، ما نیاز داریم تجارب دیگر کشورها را استفاده کنیم. در حال حاضر برای همکاری ما با ایتالیا سه جنبه قانونی وجود دارد. همان‌طور که عرض شد یک جنبه تفاهم‌نامه ۲۱ نوامبر ۲۰۰۲ است که به صورت مکتوب موجود و قابل پیگیری است.

جنبه دوم تفاهم‌نامه ۲۰ اکتبر ۲۰۰۴ است:

وزیر کار کشور ایتالیا به تهران آمد، در این تفاهم‌نامه بندهایی در زمینه کارآفرینی نوشته شد که بنده در زمان انعقاد آن را بررسی و پیگیری کردم. اکثر بندها در مورد سمینار، کارگاه و آموزش کارآفرینی است که وزرای کار هر دو کشور آن را امضا کردند و مورد قبول کشور ایتالیا هم هست که در صورت پیگیری حاضرند برای ما، هم کارگاه ایجاد کنند، هم سمینار برگزار کنند و هم هیأت‌های ما را بپذیرند.

در مورد آموزش فنی و حرفه‌ای هم پیش‌بینی شده که با توجه به وجود مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در تورین، در همانجا اقداماتی هم صورت بگیرد.

جنبه سوم توافقنامه ۵ مه ۲۰۰۵ است:

این توافقنامه به امضای هیأتی بلند مرتبه از ایران - رئیس مرکز تورین و با حضور سازمان‌های «بیک BIC» - رسیده است. با این اقدام تمام کشورهایی که در ایتالیا در زمینه کارآفرینی نقش دارند در این توافقنامه مشارکت داشته، در کشور ما هم برای اجرای دوره‌های کارآفرینی حاضر به همکاری هستند.



در این توافقنامه کارگاه‌هایی پیش‌بینی شده است. پیشنهاد می‌شود این کارگاه‌ها پیگیری و اجرا شوند، اگر چه کاری مهم و طاقت‌فرساست؛ اما بسیار مفید و اجرائی است و هزینه کمی دارد. مطلب دیگر این‌که در مورد مؤسسه توسعه ایتالیا مدلی وجود دارد که باید افرادی را برای آموزش و یادگیری آن بفرستیم.

● همکاری بین دانشگاه‌های دو کشور ضروری است.

● برگزاری سمینارها هم اهمیت دارد.

با کمک مرکز «ایچه» واقع در خیابان قائم مقام فراهانی و پیرو صحبتی که با مدیر کل آن در رم انجام دادیم، می‌توان همان روش سازماندهی افقی و عمودی را در ایران هم اجرا کرد.

● از همه مهم‌تر این‌که با اجرای دوره‌های مختلف، بهترین کمک به رقابت‌پذیری صنایع می‌شود.

پیشنهاد بنده طراحی آموزش از راه دور است: مربیان سازمان فنی و حرفه‌ای در این جلسات شرکت کنند تا بتوانند با توجه به پراکندگی و وسعت کشورمان و نیاز به آموزش از راه دور، این کار را عملی سازند.

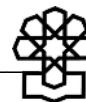
● مورد آخر پروژه سال ۲۰۰۴ بوده که طبق سفارش کشور ماست و تعریف هم شده است. در حال حاضر این پروژه بلا تکلیف است و از نظر اسلامی و شرعی باید پاسخگو و پیگیر آن باشیم. زیرا کشور ما از یک سازمان بین‌المللی خواستار تعریف پروژه شد آن سازمان هم پروژه را تعریف کرد و خلاصه بعد از نامه‌نگاری از طرف کشور ما، در شرایط فعلی وزارت کار باید پیگیر آن باشد.

اکنون مشکل ما نحوه تأمین مالی است که باید سفارت ما در ایتالیا به دنبال آن باشد و راه حل آن هم مشخص است. براساس مطالعات انجام شده به وسیله افراد ورزیده این پروژه برای کشور ما تهیه شده و مورد تأیید دانشگاه تهران هم هست.

از طرف دیگر ما با کشورهای مختلف کمیسیون‌های مشترکی داریم و هر وزارتخانه مسئول یک کمیسیون مشترک است، متأسفانه مسئول اکثر کمیسیون‌ها وزارت بازرگانی است (یعنی ورود کالا داریم). وزارت کار هیچ نقشی در کمیسیون‌های مشترک ندارد. پیشنهاد بنده این است که وزارت کار در کمیسیون‌های مشترک ایران و ایتالیا نقش فعال داشته باشد.

۵. پرسش و پاسخ

پرسش: آقای دکتر نکته قابل عرض بنده مربوط به استفاده از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای تأسیس مؤسسات و شرکت‌ها برای کارآفرینی است. چنان‌که بنده در این مورد تحقیق کرده‌ام حدود



۷۰ درصد از شرکت‌هایی که به وسیله فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و در مرحله ورود به بازار کار تأسیس شده‌اند، معمولاً با شکست مواجه هستند. علتش این است که یا رابطه‌ای نداشته‌اند یا با فقدان سرمایه مواجه بوده‌اند. مورد دیگر وقتی که این شرکت‌ها در مناقصه‌ها شرکت می‌کنند، رتبه‌ای به آن‌ها داده می‌شود مثلاً براساس سابقه کاری، یا درجه‌ای که در این باره داشته‌اند. در شرکت‌های تازه تأسیس به وسیله فارغ‌التحصیلان نه رابطه خیلی خاصی وجود دارد و نه به قول معروف آن تجربه کاری قابل ذکر و نه سرمایه بالایی که مورد نظر این مناقصه‌ها باشد.

می‌خواهم بدانم در کشور ایتالیا برای این مسأله چه راهکاری ارائه شده است؟

در یک درجه‌بندی همه شرکت‌ها مدنظر هستند و این‌که چقدر این شرکت‌ها در آن زمینه تجربه دارند. شرکت‌های تازه تأسیس به وسیله فارغ‌التحصیلان چنین تجربه‌ای را ندارند. یا این‌که شرط سرمایه بالا - مثلاً اگر ۵ میلیون تومان یا ۱۰ میلیون تومان - به بانک سپرده شده و سپرده‌گذاری شود تا بتوانند در مناقصه شرکت کنند، را ندارند، در این مورد نظرتان چیست؟

فکر می‌کنم اکنون قصد دارند این قضیه را در پارک‌های فناوری اجرا کنند. ولی خود دانشگاه باید درباره بعضی پروژه‌ها با مسئولین ذی‌ربط صحبت کنند که پروژه مورد نظر را در اختیار شرکت‌هایی که به وسیله فارغ‌التحصیلان همان دانشگاه دایر شده، قرار بدهند و با کمک اساتید هم بر عملکرد این شرکت‌ها نظارت داشته باشند تا آن پروژه به سرانجام برسد که اگر چنین راهکاری صورت اجرائی بگیرد می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

در ضمن شما فرمودید: شرکت‌های کوچک برای استفاده از اینترنت تشویق شوند. آیا

منظورتان همان IT^۱ است و این‌که آیا خودشان وارد IT شده‌اند و این صنعت را تقویت کرده‌اند؟

پاسخ: در مورد این‌که فرمودند فارغ‌التحصیلان اقدام به تأسیس شرکت می‌کنند و چنین مشکلاتی دارند و همچنین شرکت در مناقصات، منظورتان چیست؟ آن مناقصات هم قانون و مقرراتی دارند، اگر کاری اصولی باشد فکر نمی‌کنم سال تأسیس مهم باشد، یعنی تعدادی معیار تعیین شده وجود دارد.

مثلاً ایتالیا، همین که صحبت مناقصه می‌شود معیار می‌گذارد که براساس آن ملاک‌ها، شرکت‌ها انتخاب می‌شوند نه این‌که به قول شما، به تازه تأسیس بودن شرکت کار داشته باشند، احتمالش خیلی کم است که چنین موردی باشد. آن‌طور که بنده مشاهده کرده‌ام، شرکت‌های تازه تأسیس هم می‌توانند آن طرح‌ها را گرفته و برنده بشوند.

بنده در ایتالیا دیدم که شاخص‌ها و معیارهایی وجود دارد که براساس آن، شرکت‌ها انتخاب



می‌شوند. بر اساس تجربه من در آنجا بیش‌تر ضابطه‌ها مهم است و رابطه نقش خیلی کمی دارد. مثلاً درباره تصویب پروژه‌ها، به شخصی که مراجعه می‌کند و ارائه پروژه می‌دهد، مشاوره‌های رایگان می‌دهند و با بیطرفی آن را بررسی می‌کنند و اگر طرح اقتصادی باشد بعد از کارشناسی آن طرح با آن شرکت، قرارداد امضا می‌کنند، محل فیزیکی در اختیارش قرار می‌دهند و چند وقتی هم به آن‌ها مهلت می‌دهند، تا بتوانند رشد کنند و حتی ممکن است در مرحله آزمایشی خود «اینکوباتور» کمک کرده، طرح‌هایی را ارائه کنند تا شرکت در عمل نشان دهد که چقدر توانایی دارد و بعد وارد میدان عمل شود.

در پاسخ به سؤال پایانی آقای طیار باید بگویم هدف باید حمایت و تشویق برای استفاده از IT باشد.

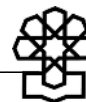
پرسش: آیا شما که از طرف وزارت کار بودید نمی‌توانید این کارها و طرح‌های پیشنهاد شده در زمان مسئولیت خویش را هم‌اکنون نیز دنبال کنید؟ آیا شما نامه‌ای برای این موضوع به وزیر داده‌اید؟

آیا نمی‌توانید به‌عنوان نماینده وابسته به وزارت کار قبلی، نامه‌ای به وزیر فعلی بدهید؟ چون آن‌ها که سرشان شلوغ است ما هم که در وزارتخانه نیستیم شاید به دلایل و مسائل دیگری که پیش آمده این کار اولویت خود را از دست داده است.

دیگر این‌که اگر امکانش وجود دارد نسخه‌ای از آن را بدهید ما به آقای وزیر می‌رسانیم. پیرو صحبت شما که فرمودید موضوع بلا تکلیف مانده، ما از ایشان خواهش می‌کنیم پیگیری کنند.

بنده عرضم این است که آیا شما به یک‌باره ارتباطات قطع شده و دیگر هیچ رابطه‌ای ندارید؟ یعنی اگر شما نامه‌ای بدهید هیچ‌کس آن را نمی‌خواند؟ چنین چیزی ممکن نیست!

از طرف دیگر بنده به پنج فرض ابتدای سخنرانی آقای امامی، در جمع فرهیختگان حاضر که تجاربی هم دارند اشاره کنم. ما می‌خواهیم این مباحث به چالش و بررسی کشیده شود. کشورهای اروپایی براساس این پنج فرض، پنج چشم‌انداز داشتند که قابل تأمل است. آن‌ها براساس مقتضیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که دارند ۱۰ محور را پیشنهاد کرده‌اند. ما باید با پنج فرضی که داریم در مورد آن ۱۰ محور اکشن پلن^۱ تهیه کنیم (نقشه کاری - برنامه اجرایی). باید برنامه اجرایی دقیقی در زیر بخش‌های مختلف داشته باشیم که روزانه، ماهانه یا سالانه، یا هر ماه به سنجش اهداف واصله بپردازد که چقدر به هدف رسیده‌ایم. هر سال کشورهای اروپایی گردهمایی در کشورهای مختلف برای سنجش این مسأله و رسیدن به هدف دارند. این طرح مسأله بود. حالا عرض بنده اینجاست که قبل از رسیدن به موضوع بعدی در استفاده از این طرح‌ها و ایده‌ها در کشورهای مختلف، باید دید که این فرض‌ها و



چشم‌اندازهای با توجه به شرایط و توسعه کشور جمهوری اسلامی ایران، کشورهای اروپایی که در تفاهمنامه ذکر کرده‌اند چند درصدشان با کشور ما تطبیق دارد؟

اولین نکته «الگوبرداری است. این‌که ما به خیلی از ایده‌ها و الگوها در طول صدها سال گذشته برخورد کرده‌ایم که چون ریشه در بستر فرهنگی و شرایط کشورمان نداشته‌اند موفق نبوده‌ایم. انواع و اقسام ایده‌ها با عنوان مدیریت نوین را به برخی از شرکت‌های صنعتی آورده‌اند مثل ایران خودرو. ولی بعد از مدتی این طرح‌ها کنار گذاشته شده و مدل‌ها و طرح‌های جدیدی آمده است. یک مدت مردم را سر کار می‌گذارند.

بنابراین اول باید ارزیابی کنیم چشم‌اندازی که آن‌ها تعریف کرده‌اند تا چه حد با شرایط ما مطابق است. سراغ آن محورهای عملیاتی که این کشورها و افراد تدوین کرده‌اند برویم برایشان برنامه اجرائی تهیه کنیم و بعد انتخاب کنیم. این‌که آن‌ها برای ما طرح می‌نویسند و کارگاه آموزشی برگزار می‌کنند، خوب است ولی باید دید که آیا در کشور ما اثربخشی لازم را دارد یا نه؟ البته در برخی موارد که با عدم استقبال از طرف وزارت کار مواجه شده‌ایم، دلیلش عدم انطباق لازم با شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است و نمی‌تواند صد در صد مؤثر باشد. در عین حال باید تا آن‌جا که انطباق ممکن است، به شکل مطلوب عمل کنیم.

بنابراین بنده خواهشم این است که در موقعیتی مناسب در مورد این طرح و کارایی آن برای ایران صحبت شود. آن ۱۰ محور کاری و برنامه‌های اجرائی می‌تواند برای کشور ما هم مفید و کارآمد باشد.

پاسخ: در مورد این سؤال هم که فرمودید ما چه اقداماتی انجام داده‌ایم و آنچه که کشورها باید داشته باشند تفاهمنامه است، ما قبل از این، تفاهمنامه تورین ۲۰۰۲ را داشتیم. کار ما امضای تفاهمنامه بود. وزیر کار ایتالیا به ایران آمد و دو وزارتخانه قراردادی تنظیم کرده، تمام بندها را امضا کردند، که در مورد کارگاه‌ها، سمینارها، کارآفرینی، اشتغال‌زایی و مسائل مختلف دیگر است. ما، در ۷ کشور وابسته کار داشتیم که این کارها را دنبال می‌کردیم. مدتی است کارها متوقف شده و کسی پیگیر آن نیست. نظر من این است که کارها متوقف نشود کسی باشد که کارهای ما را دنبال کند و به مرحله جواب و نتیجه برساند.

مثلاً پروژه‌ای که ایران آن را خواسته بود، طرح را به من دادند. چند بار آن را پیگیری کردم، ولی به دلیل تغییر و تحولاتی که در تهران بود هیچ پاسخ مثبت یا منفی داده نشد.

هدف این بود که سالی یک هیأت به ایتالیا برود و مطابق بررسی‌های کارشناسی به مسأله پیشرفت کار توافقتنامه بپردازد که این هم دنبال نشد. بنده فقط یادآوری می‌کنم که این کارها دنبال



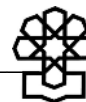
شود. چون با فراخوانی نمایندگان وزارت کار از ایتالیا، دیگر کسی آنجا مستقر نیست و مسائل پیگیری نمی‌شود. ما در ۷ کشور وابسته کار داشتیم و پیگیر موضوع بودیم. یک ماه بعد از این که برگشتیم هیچ‌کس ارتباطی با وزارت کار نداشت. هر کس به سر جای خودش (کار قبلی خودش) رفت. شاید کار هدفمند نبوده و ریشه در درون ساختارهای داخلی کشور داشته است.

اطلاعات کلی بنده این است که اینجا پروژه کارآفرینی مطرح است که از طرف خود سازمان ILO برای ایران طرح‌ریزی شده است. حدود یک‌سال آن را با کمک ایران کار کرده‌اند و به نظر من تا حدی به شرایط ایران هم نظر داشته‌اند، دانشگاه تهران هم آن را حمایت کرده، روی این پروژه تأکید کرده است.

درباره سایر پژوهش‌ها هم، طرح‌ها را که از طرف آن‌ها بود به مسئولین کشور ارائه کرده‌ام تا بررسی شود و نظر دهند. این پروژه از طرف مرکز ILO به سفارش ایران تهیه شده ولی ایران هیچ اکشن پلن (به نام اجرائی) روی آن صورت نداده است. مرکز پژوهش‌ها می‌تواند آن را تحویل بگیرد و اقدام کارشناسانه انجام بدهد. آقای دکتر «گرهام» ایتالیایی به ایران بسیار علاقه داشت (اصالتاً کانادایی بود و در (مرکز تورین) کار می‌کرد)، ایران را خوب می‌شناخت، با کمک ایران طرح را تهیه کرده بود که بنده گمان می‌کنم تا حدودی نکات عمده را دیده باشند.

برای این پروژه می‌توان راه‌حلی پیدا کرد. روی آن کار کرد و به (ایتالیا) اطلاع داد که ما روی آن پروژه کار کرده‌ایم و چنین مشکلاتی داریم. می‌توان این مسأله را مورد بحث و بررسی قرار داد. مطلب بنده درباره بحث آقای مقدس است. ایشان فرمودند باید موارد و پروژه‌هایی را پذیرفت که با فرهنگ ما و ساختار اجتماعی‌مان سازگار باشد. سؤال این است که منظورشان از این ساختار اجتماعی که باید وجود داشته باشد چیست؟ تذکره این است که می‌شود هم یک کشور مقلد باشیم و هم یک کشور یادگیرنده. ما می‌توانیم یک کشور یادگیرنده باشیم هر دانشی را از هر جایی که هست در کشورمان انباشته کنیم. یا می‌توانیم مقلد باشیم مثلاً در اصول اساسی دین. وقتی هر چه هست را تغییر بدهیم چه زیر ساخت‌های کهنه فرهنگی و چه زیر ساخت‌های کهنه شده اجتماعی را و به صورت تدریجی و تکاملی بالا برویم. چه بسا این کار خودش روشی برای کسب دانش باشد تا بتوان به موقع از آن در مقام یک کشور یادگیرنده استفاده کرد. دیگر این‌که دو چیز از هم مجزا شود این‌که قانون ایتالیا را در ایران نمی‌توان پیاده کرد شرط عقل نیست و این‌که این قانون برای چه کسانی تدوین شده است؟ و برای چه؟

برای هر چیزی می‌تواند باشد! فرض کنیم درباره علم و فناوری یا کارآفرین یا کارآفرینی البته با توجه به تمام شرایط نه فقط شرایط اجتماعی و فرهنگی، بلکه شرایط اقتصادی، خانوادگی و اصلاً روحیه ما.



در مرحله قانونگذاری ما نباید از کسی تقلید کنیم. باید براساس انباشت دانش خودمان عمل کنیم. ولی در مرحله کسب دانش، تولید و ترویج دانش اصلاً نباید برای خودمان محدودیت قائل شویم. استادی که صحبت می‌کند ما باید آنتن‌ها را بالا ببریم و به نحو احسن استفاده کنیم، از تفکر و اندیشه خودمان به آن اضافه کنیم و دانش بیش‌تری تولید کنیم. دانش انباشت‌شده به مرور استفاده می‌شود این‌گونه نیست که شما امروز دانشی تولید کنید، طرح بدهید و فردا به قانون تبدیل شود. قانون از روش الگوبرداری از دانش استاندارد شده به‌وجود می‌آید، نه از حرف‌های عادی. به عبارتی می‌باید ۱۰-۲۰-۵۰ نفر مثل آقای دکتر هم بیایند و صحبت و سخنرانی کنند تا ما بتوانیم کمی دانش استاندارد انباشت کنیم و بشود فردا به قانون تبدیل کرد. بهره‌برداری از دانش به کارگیری خطی دانش نیست. از کانال‌های مختلف و روش‌های غیرخطی ممکن می‌شود.

این کار در طول تاریخ انجام شده است. از زمان قاجار که روشنفکرهای ما برای تحصیل به کشورهای مختلف رفتند و سعی کردند از دانش آن‌ها استفاده کرده، آموخته‌ها را به کشور بیاورند. این‌که به‌صورت انباشت دانش اقدام کنیم تا الان حدود ۲۰۰-۳۰۰ سال گذشته این مسأله همیشه بوده است. نکته اینجاست که ما چرا به توسعه‌یافتگی نرسیده‌ایم، روشنفکر و تحصیلکرده خارج از کشور بسیار داشته‌ایم. الان هم به هر شکل چنین افرادی وجود دارند. مسأله الگوبرداری از مدل‌ها، بحث‌ها یا به اصطلاح جنابعالی انباشت‌های علمی نیست حتی در میانی دین با استناد به این حدیث: «أطلب العلم ولو بالسين: علم را هر کجا حتی در چین هم باشد بیاموزید». در یادگیری هیچ بحثی نیست همچنین برگرفتن تجربیات دیگران.

بنده می‌گویم از بین مجموع دانش‌های بشری با توجه به محدودیت‌های منابع و شرایطی که داریم دست به انتخاب بزنیم در هر دوره تاریخی عقل حکم می‌کند آن دانشی را انتخاب کنیم که با توجه به مراحل تاریخی و شرایطی که در کشور حاکم است بتواند به ما کمک کند و به مراحل توسعه‌یافتگی برسد و اگر فقط هدف کسب دانش و انباشت آن برای روز مبادا باشد که شاید شرایطش فراهم بشود، این درست نیست.

پرسش: آنچه که از صحبت‌های دکتر امامی برایم جالب بود این که زیر ساخت‌های کشور ما با کشور ایتالیا کاملاً متفاوت هستند. ما از نظر زیر ساختی بسیار ضعیف‌تر هستیم. به‌خصوص در مورد SMEها. شما فرمودید کشور ایتالیا کلاً ۳۴ اینکوباتور دارد، بنده فکر می‌کنم در این ۴-۵ سال که بحث پارک‌ها، اینکوباتورها و مراکز رشد پارک‌ها در کشور ما ایجاد شده است ما هم به همین تعداد یا بیش‌تر در کشورمان اینکوباتور تعریف کرده‌ایم بدون این‌که خروجی داشته باشیم. اینکوباتور، یعنی شرکتی که وارد پارک‌ها شده، خارج شده است و بعد از ۵ سال باید عملکرد آن‌ها



را دید. تا بتوانیم ارزیابی عملکردی کنیم. سؤال این است آیا شما در مورد پارک‌های فناوری منظورتان این است که پیشرفتی حاصل نشده است؟

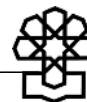
جنابعالی با تجربه‌ای که در بحث کشور ایتالیا داشته‌اید فکر می‌کنید که تجربه اینکوباتورها در کشور ما روند شروع چگونه بوده و به کجا خواهد رسید؟

پاسخ: هر آنچه که در دنیا باب می‌شود و ما قصد تقلید از آن را داریم باید ببینیم تا چه حدی قابل تقلید است. ما در ایران بهره‌وری کارها را در بحث کارایی ارزیابی کردیم. ولی در کل روش ما برای اندازه‌گیری با آن‌ها فرق دارد. زیربنایش چیز دیگری است. (Bic) بیک در ایتالیا، تعدادش ۳۴ مرکز است. ۲۱ مرکز آن وابسته به بخش دولتی و ۱۳ مرکز وابسته به بخش خصوصی است که تا حدودی با هم رقابت دارند، بخش خصوصی در حال افزایش است و بررسی‌ها در ابتدای طرح، به کارآفرین‌ها و شرکت‌ها کمک می‌کنند. اینکوباتورها خودشان مراکز رشد و مراکز پرورش شرکت‌های نوزاد هستند تا بعد از این مراحل قادر به ورود به جامعه اقتصادی باشند و حق عضویت بپردازند. مراکز «بیک» هم برای اداره کردن خود باید تأمین مالی شوند که در غیر این صورت کنار زده می‌شوند، ایران هم همین شرایط را دارد.

با یکی از مسئولین بخش خصوصی از مراکز «بیک» که صحبت می‌کردیم افتخارش این بود که از دولت ایتالیا کمک نمی‌گیرد، خودکفاست و قادر است با دریافت کمک‌های شرکت‌های عضو، نقش خود را توسعه دهد.

به نظر من ایران هم اگر بخواهد پیشرفت کند باید ارزیابی عملکردی داشته باشد تا ببینند چگونه آن‌ها خودکفا شده‌اند. انتظار این نیست که از دولت کمک بگیرند. موردی که من اخیراً با آن مواجه شدم، این بود که سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور خواستار مبلغ کلانی از دولت شده بود با این عنوان که «آموزش فنی و حرفه‌ای بسیار مهم است و»، نامه‌ای نوشته بودند که مجلسی‌ها امضا کنند، تا مبلغ را آن‌ها دریافت کنند. این راهکار اصولی نیست. در ایتالیا، در روش‌های تأمین مالی، آموزش فنی و حرفه‌ای کمکی از دولت نمی‌گیرند خودشان تأمین مالی می‌کنند. البته تجارب دیگران هم وجود دارد.

در مورد صحبت‌های قبلی آقای دکتر، با قبول اینکه در اسلام گفته شده اول همه چیز را گوش کنید و بعد انتخاب کنید. پس ما هم باید ببینیم تجربه ایتالیا و کشورهای دیگر چیست، ما در ۷ کشور وابسته کار داشتیم، آن‌ها را با هم مقایسه کنیم، بهترین موارد را انتخاب کنیم. اگر چنین کنیم، بنده شخصاً معتقدم موفق خواهیم شد. یعنی با توجه به کارآفرینی و پارک‌هایی که در ایران هست، چیزی از کشورهای دیگر کم نداریم.



به نظر من موضوع ادبیات پارک‌های فناوری، از اینکوباتورها جداست. پارک‌ها، محلی است که شرکت‌های بالغ یعنی شرکت‌هایی که هم‌اکنون در بازار حضور دارند، با سرمایه و بنیه مالی قوی و بهره‌وری بیشتر وارد آن‌ها می‌شوند. اینکوباتورها یا مراکز رشد، مراکزی هستند که تعدادی فارغ‌التحصیل دانشگاهی، در آن‌ها دور هم جمع می‌شوند شرکتی تأسیس می‌کنند و نیاز به حمایت جدی برای شروع کار دارند.

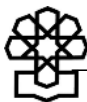
ما در پارک‌ها بحث حمایتی نداریم بلکه بحث بهره‌وری بالاتر در میان است. ولی که با وجود اینکوباتورها و پارک‌ها در کشورمان هنوز هیچ خروجی از هیچ کدام نداشته‌ایم همچنین عدم وجود ارزیابی جدی از موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها هم هست. مثلاً در مورد این‌که چقدر بودجه برای یک شرکت هزینه کرده‌اند، چه کارهایی انجام شده یا این‌که آیا برگشتی وجود داشته است یا نه؟ بنده بدون بررسی نمی‌توانم بگویم که تعداد اینکوباتورهای ما چقدر شده است؟ ولی مطمئنم از ایتالیا بیشتر است که هر کدامشان ۱۰-۲۰-۳۰ شرکت دارند که تا به حال هیچ کدام ارزیابی نشده‌اند. اینها را جمع کنید از بودجه کم کنید. می‌بینید امکانات زیادی از کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

در ایتالیا با این همه ساختار و شرکت که فرمودید ۹۲ درصد صادرات به SMEها می‌رسد. ۳۴ تا اینکوباتور دارند که در ایران تعدادش بیشتر است. در حالی که نمی‌دانیم چند درصد از صادرات سهم اینکوباتورهاست. قطعاً عددش زیر ۰/۹ درصد (نه دهم) می‌باشد.

آنچه که به وزارتخانه‌های علوم و آموزش و پرورش مربوط است، این است که انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها گروهی هستند که باید این موضوع را به چالش بکشانند مثلاً آیا اینکوباتورها موفق بوده‌اند یا نه؟ همین‌طور عملکرد آن‌ها را باید وزارت علوم دنبال کند. چون شاخه‌ای ایجاد کرده‌اند در کنار دانشگاه‌ها، به آن‌ها بودجه، ساختمان و اتاق و سایر امکانات داده‌اند. پس باید عملکرد دانشگاه‌ها در برنامه چهارم ارزیابی شود. جلسات جای خود را دارند باید گزارش مکتوبی از عملکرد چند ساله اینکوباتورها ارائه شود که چند سال است به وجود آمده‌اند؟

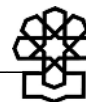
از سوی دیگر این‌که چگونه می‌توان در سطح تحصیلکرده‌ها اعم از دانشگاهی و یا دیپلم، این توانمندی را باید در افراد به طور اکتسابی ایجاد کرد، نه ارثی، (نه ریاضیدان ارثی مادرزاد). ارثی اگر باشد که هیچ وقت نمی‌توانیم کارآفرینی کنیم ما با این فرضیه پیش می‌رویم که کارآفرینی اکتسابی است، تا بشود ملت را آموزش داد و کارآفرین کرد. حالا چگونه؟

منظور ما هم، از کارآفرینی همین است که افراد بتوانند پروژه‌هایی را تعریف کنند، بروند دنبال مایه‌دارها که یا بانک مایه‌دار است یا اشخاص. بگویند کار من این است، می‌توانم این جنس را تولید کنم، صادر کنم، بفروشم در داخل کشور یا کار حمل و نقل یا کار خدماتی دارم یا الکترونیکی، که جنسی را تعمیر می‌کنیم درب خانه تحویل می‌دهیم. یا مثلاً چهار تا جوان کار با کامپیوتر راه



انداخته‌اند. نباید همه منتظر اقدام دولت باشند. نه اینکه دولت فقط پول بدهد، منتهی دولت بسترش را فراهم کند، اگر بحث آموزش است آن را مجانی ارائه دهد، با workshop (برنامه‌های اجرایی) در فرهنگسراها، مدارس، دانشگاه‌ها، مجانی برگزار کنند که همه فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها این دوره‌ها را ببینند تا اعتماد به نفس پیدا کنند. توانمندی انجام کاری را پیدا می‌کنند. مرکز پژوهش‌های مجلس در جایگاهی است که می‌تواند مثلاً از نظر قانون، اگر وزارت علوم روزی قانونی کند مجلس هم اقدام کند یا قانون کم دارد کمکش کند تا قانون کار اجرا شود. اگر از نظر اجرایی ضعیف است از بعد نظارتی نظارت کنند. بگویند قانون را که دارید چرا به کار نمی‌برید. از بعد نظارتی نماینده یا وزرا یا مسئولین سازمان‌های مربوطه تحریک و تشویق شوند کاری را پیگیری کنند این‌ها هدف نیست. مواردی است که در برنامه چهارم نوشته شده است. بنده نه این‌ها را نفی می‌کنم و نه اثبات می‌کنم. در رشد اقتصاد، راجع به قضیه بنگاه‌های کوچک و زودبازده اختلاف است. یک عده موافقند و عده دیگر مخالف. منتهی بحث ما این نیست این مباحث جلسات خاص خودش را می‌خواهد. مربوط به کارآفرینی نیست. منظورم این است که ما نمی‌توانیم تا قیامت این بحث را ادامه دهیم. چند جلسه می‌گذاریم که چندین بازدهی هم دارند از طرف دیگر آشنایی میان دوستان ایجاد می‌شود. هسته‌ای به وجود می‌آید، به دولت هم کمک می‌شود. ۴-۵ وزارتخانه به این مسأله مربوط می‌شوند. ما تحریک و انگیزه را ایجاد می‌کنیم. تجربیات دوستان هم خوب است. این‌ها را چاپ می‌کنیم و برای اطلاع‌رسانی به نمایندگانی که حضور ندارند می‌دهیم. به‌خصوص نماینده‌های مؤثر و اثربخش در نظریات دیگران، آن‌ها را جداگانه دعوت کنیم مسأله منتشر می‌شود یک نوع کاتالیزور، تسریع‌کننده، و ترویج‌کننده است. بیکاری یک دفعه از بین نمی‌رود. کارآفرینی چیزی دائمی و مستمر است. مختص سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶، یا زمان آقای احمدی‌نژاد نیست. در دولت‌های بعدی هم وجود خواهد داشت.

موضوع دیگر این‌که اگر قرار باشد دولت اعتبارات بدهد این کار شدنی نیست. بانک‌ها ورشکست می‌شوند. باید کاری کرد ثروتمندان انگیزه دادن کمک مالی پیدا کنند. به تحصیلکرده‌ها نوشتن برنامه کاری^۱ یاد دهیم. امکان‌سنجی را بیاموزیم. مهندس مکانیک ما امکان‌سنجی را خوانده است. دوره‌ای برایش بگذاریم به اقتصاددان‌ها به آن‌هایی که نمی‌دانند یاد دهند که کاربردی کار کنند. دکترها، پروفیسورها و غیره می‌توانند یکسری فرمول و منحنی را خوب درس بدهند، اما بحث کلان کشورها را همه نمی‌توانند و نمی‌دانند، از آن کار در بیاورند. استادها نمی‌توانند به بچه‌ها پول درآوردن یاد دهند کار هر کسی نیست. نکته دیگر، کار سخت‌تر این است که فرد از رشته تخصصی‌اش پول در بیاورد. در این زمینه، نظام آموزش عالی نقص دارد. از این‌رو خیلی اهمیت دارد که درست شود. البته نه در کوتاه مدت بلکه در میان مدت. بدانیم که فارغ‌التحصیلان ما وقتی از دانشگاه بیرون می‌آیند نمی‌توانند



کسب درآمد کنند یا ۴ تا گزارش تهیه کند به دست کسی بدهند تا قانع شود و مبلغی از او بگیرند با آن کار کنند و سود او را بدهند. این چیزها ربطی به وزارت کار ندارد. تا حدودی به آموزش و پرورش ربط دارد همین طور به وزارت علوم (ولی به وزارت صنایع ربطی ندارد). این دو وزارتخانه قادر نیستند آموزش درست بدهند. نمی‌دانند ایران چه می‌خواهد؟ مشککش چیست؟ رئیس دانشگاه آزاد در سخنرانی می‌گوید کار ربطی به ما ندارد. ما فقط آموزش و بعد هم مدرک می‌دهیم. کجای دنیا اینطوری آموزش می‌دهند؟ آموزش در دنیا کالای عمومی است که دولت باید ارائه بدهد، بازار ندارد که قابل خرید باشد. چه بسا دولت باید مجانی ارائه بدهد. در غرب هم که سرمایه‌داری حاکم است دبیرستان و دانشگاه دولتی و خصوصی هم دارند. من می‌گویم آن‌هایی که علم اقتصاد یا مدیریت را آموخته‌اند و کسب درآمد می‌کنند. در کشور ما فارغ‌التحصیلی، اول بیکاری است (خودم فوق‌لیسانس رشته مدیریت بازرگانی می‌شناسم که بیکار است و دنبال کار می‌گردد) معلوم است که آموزش مشکل داشته است. باید workshop‌هایی بگذاریم، یک Internship^۱ و یک Externship^۲ داریم که در دنیا بسیاری از کشورها از جمله کانادا، امریکا، ژاپن و کشورهای دیگر از آن‌ها استفاده می‌کنند^۳ ما فقط می‌شنویم و می‌گذریم کنار و به قول دوستی، اسمش را می‌آوریم خودش را نمی‌آوریم.

مثلاً دستگاه تست صنعتی را از آلمان می‌خریم. دوستی نقل می‌کرد (قبل از دولت فعلی - ربطی به دولت ندارد). آلمانی‌ها گفته‌اند ایران ۴ دستگاه از ما خریده است با آن‌ها چه می‌کند؟ ما در آلمان یکی، دو تا بیش‌تر نداریم که کافی است. به چه درد شما می‌خورد؟

ما کامل از آن استفاده نمی‌کنیم. اگر روزی ۲ ساعت از آن استفاده کنند می‌شود ۱۰ ساعت بیکاری. مثلاً در نظر بگیریم ۱۲ ساعت کار مفید باشد، اگر اقتصادی کار کنیم، ربطی ندارد که آلمان درست بگوید یا نه! کار آن‌ها درست است و کار ما غلط!

وزارتخانه این دستگاه را خریده است مثلاً وزارت دفاع به خاطر مسائل امنیتی لازم دارد. خوب تست را بگیرید، کارتان را انجام بدهید پولتان را بگیرید شاید هم شرکت خودروسازی یا شرکت‌های دیگر بوده‌اند. این اقدامات وارد ایران که می‌شود باید ایرانی شود. ما هم بحث Internship را در ایران داریم که در برخی شرکت‌ها از جمله ایران‌خودرو، پتروشیمی و ... آن‌را انجام می‌دهند. Internship یعنی کارآموزی فعلی، منتهی به شکلی پیشرفته‌تر و کاربردی‌تر که

۱. به‌طور معمول طرحی است برای دانشجویان سال آخر کارشناسی و دانشجویان کارشناسی ارشد و بالاتر که آنان به‌طور موقتی در یکی از بخش‌های صنعت به کسب تجربه و انجام فعالیت‌های مرتبط با رشته تحصیلی خویش می‌پردازند.
۲. هدف عمده طرح، آشنایی دانشجویان با مشاغل مختلف می‌باشد. دانشجویان تمام مقاطع در این برنامه می‌توانند شرکت کنند، اما معمولاً این طرح برای دانشجویان سال آخر، ویژه آنان که طرح اینترن شیب را گذرانده‌اند، طراحی شده است.
۳. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به: سیدمحمدرضا سیدنورانی؛ محمدرضا امیددی و غلامرضا درگی (۱۳۸۲)، «بررسی راهکارهای تقویت و تحکیم ارتباط صنعت و دانشگاه»، مجموعه مقالات ششمین کنگره دولت، دانشگاه و صنعت.

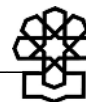


دانشجویان ما آن را یاد می‌گیرند یک کارآموزی است.

این موارد را جمع کنید روشی ترسیم کنید. مثلاً به فارغ‌التحصیلان بگویید به شرکت ما بیاید کار کنید. شرکت‌ها را این‌گونه باید درست کرد. مراکز رشد اینکوباتورها این کار را بکنند، به جوان‌ترها یاد بدهند تا از رشته تحصیلی خودشان این‌گونه استفاده کنند. این کار را هر کس نمی‌تواند یاد بدهد. حس می‌خواهد، حس هم‌دانشگاهی، ایرانی بودن، حس مذهبی یا حس دیگر. پولی در کار نیست. آموزش و انتقال این دانش و تبحر عرقی است. قابل اجرا و پیاده شدن است منتها ما مسئول آن نیستیم. یعنی مرکز پژوهش‌های مجلس مسئول آن نیست. من برای این حرف‌ها از توان خودم خارج از مرکز پژوهش‌ها استفاده می‌کنم. ربطی به مرکز پژوهش‌ها ندارد. در این جایگاهی که من هستم، سایر دستگاه‌ها مثل وزارت کار، آموزش و پرورش، آموزش عالی که علوم تحقیقات و فناوری شده است، به آن مربوط هستند. بیاید هسته‌ای ایجاد کنیم دولت را وادار کنیم لایحه بدهد. یعنی وزارت کار مشکل را ببیند، بگوید ما کمک می‌کنیم، پس شما هم لایحه بدهید. نه این‌که مجلس طرح بدهد چون چیزی که دولت کارهای اجرائی آن را بسنجد و از نظر پرستیژ و سیاسی هم بررسی شده باشد، بهتر است لایحه‌اش را دولت بدهد. هر دولتی که باشد فرقی نمی‌کند. چه دولت آقای احمدی‌نژاد، چه دولت‌های دیگر. وقتی در مجلس، نماینده‌ای طرح می‌دهد، برای کارشناسی به وزارتخانه که می‌رود ناراحت می‌شوند می‌گویند وقتی ما خبر نداریم شما چطور خبر دارید. پس بهتر است لایحه از طرف دولت باشد. قسمتی از کار هم به مردم مربوط می‌شود و به NGO و اشکال مختلف NGO، مثل بانک فناوری NGO که ۶ نوع دارد.

این بحث‌ها را بگویید اگر لازم بود نماینده‌ها بشنوند، ماهم چاپ می‌کنیم و ارائه می‌دهیم. اگر لازم است وزارتخانه‌ها بشنود، بستر آن را فراهم می‌کنیم. میزگرد، جلسه، تشکیلات ... رو در رو. شما چرا وقت ملاقات به هم نمی‌دهید. در وزارتخانه کار دارید، وقت ندارید. ولی در این‌جا تشکیل این محافل باعث می‌شود چهره به چهره همدیگر را ببینید. این کاری نیست که مرکز پژوهش‌ها بیش از این بتواند وارد آن شود. در مورد قانون کار به عنوان موانع تولید هم بحث خواهد شد. منتهی با همان نمایندگان وزارت کار. یک‌سال و نیم تلاش کرده‌ایم تا این طرح وارد مجلس شود. مجلس هم یکی دو بند را در بحث موانع تولید آورده است. این تلاش ۱/۵ سال، حاصلش ۲ صفحه شده که مربوط به اصلاح قانون و مقررات برای قانون تأمین اجتماعی است که شما هم یادآوری کردید. جداگانه کار دارد. خوب است دولت لایحه آن را ارائه بدهد.

با وجود این همه بیکار و مشکلات ساختاری، دولت ما نمی‌تواند موضوع را خیلی سریع انجام دهد. شاید ایتالیا این همه بیکار ندارد. نرخ آن‌ها شاید کمتر باشد شاید با جوان‌ها مشکل سیاسی ندارند. هم ما با جوان‌ها کار داریم و هم آن‌ها با ما. دولت قول اشتغال داده است. اگر دو سال بگذرد و



به این قول عمل نشود جوان‌ها دیگر به نظام ما کار ندارند می‌روند سراغ کارهای دیگر که بحران پیش می‌آید. از این رو خواهش می‌کنم که گفته‌ها به صورت لوایح درآید نه طرح. اگر دستگاهی به ما مربوط است بگویید تا اقدام کنیم. مثلاً فلان NGO لازم است در این جلسات باشد که به ما کمک کند. آن‌ها تجربه دارند ما نداریم. از تجربیاتشان استفاده کنیم یا یکسری نکات اجتماعی، سیاسی دارند که ما یا نمی‌دانیم یا از آن غافل هستیم. در نهایت تا آخر امسال این کارها را انجام دهیم و با تشکیل این هسته ان‌شاء... در وزارت کار و رفاه یا علوم یا آموزش و پرورش و غیره ... جمع شویم لوایح را به ما بدهند که همه در راستای کارآفرینی باشند. ببینید چه می‌خواهید بکنید، ایجاد اشتغال باشد یا نه؟ نه این‌که دولت اقدام کند یا بانک‌ها وام بدهند، در این صورت کار، دستوری می‌شود کارآفرینی نیست.

بنده با بیانات آقای دکتر نورانی موافقم. درست است که در پارک‌ها بحث فناوری داریم، اینکوباتور هم داریم و کارآفرینی به خیلی جاهای دیگر هم مربوط می‌شود ولی باید کلیدهایش را مجزا کرد. تخصصی آن را بررسی کرد. یکی از چالش‌های کشور ما، به‌خصوص در وزارت کار، ۱۸ هزار میلیارد تومان بودجه‌ای است که در اختیار وزارت کار قرار داده‌ایم در مورد آن ابهام وجود دارد که چطور وزارت کار می‌خواهد این بودجه و منابعی که بانک‌ها در اختیارش می‌گذارند هزینه کند.

خوب است که این مسائل هم در این جلسه و هم در کل کشور بررسی شود که در چه حوزه‌هایی می‌خواهیم کارآفرین باشیم. یعنی چند درصد از کارآفرینی باید در متخصصین باشد و چند درصد در نیروی کارگر. بعد هر کدام را به صورت مجزا بررسی کنیم. اگر صحبت دکتر نورانی از این جنبه اعمال شود بسیار مناسب است.

از مرکز پژوهش‌های مجلس به دلیل برگزاری این همایش‌ها متشکرم. می‌خواهم از صحبت‌های دکتر نورانی استفاده کنم و مسأله‌ای را مطرح کنم. ما می‌خواهیم بدانیم ماهیت برگزاری این جلسات چیست؟ آیا هدف حل مشکل SMEها و مشاغل زودبازده است؟ که دولت آن را مطرح کرده است؟ با ارائه راه حلی به مجلس برای حل مشکل حاضر در مورد بنگاه‌های زودبازده اشتغالزا در کشور؟ چون ما در دستگاه‌های اجرائی همه مسائل را با دید اجرائی می‌بینیم و زیاد وارد کارهای تحقیقاتی و تئوریک نمی‌شویم، دولت دستور داده که بودجه‌ای در اختیار وزارت کار قرار دهند و باز هم به دستور دولت بنگاه‌های اقتصادی زودبازده، اشتغالزا، ۱۸ میلیارد از منابع خودشان به متقاضیان سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی کشور بدهند، یعنی کارآفرینی به‌وجود بیاورند. دولت این بنگاه‌ها را از سال ۱۳۸۴ به بعد تصویب کرده. دوستان در وزارت کار بهتر می‌توانند در مورد این مسأله صحبت کنند. با توجه به پیشنهاد آقای دکتر جهرمی بابتی در دولت نهم به عنوان بنگاه‌های زودبازده اشتغالزا و کارآفرین باز شد و باعث چنین مباحثی شد که با حدود ۲۵ میلیاردی که دولت تصویب کرده تا پایان برنامه چهارم مشکلات را برطرف کنند و به مجلس ارائه پیشنهاد دهند



تا بتوان قانون تنظیم کرد، که البته این بحث جداگانه است. مسأله تسهیلات اجرائی در دولت تصویب نشده است.

بحث کارآفرینی و اشتغال را بسیار می‌بینیم. در وزارت صنایع هم اقدام‌هایی شده است همچنین در وزارت کار و امور اجتماعی. در کل از جناب آقای نورانی و مسئولین محترم مؤسسه و مسئولین مربوط به همایش‌ها خواهش می‌کنم که این جلسات در راستای کارهای تحقیقاتی باشد یعنی تجربه کشورها. از آقای دکتر و سایرین متشکرم و خواهش می‌کنم پیشنهادهای و طرح‌های خودشان را ارائه دهند. ایده‌هایتان را به نمایندگان مجلس دهید و در راستای تصویب یکسری قانون در جهت کارآفرینی و اشتغال هم فکر می‌کنم بعداً بشود یک چیزهایی را بررسی کرد. می‌توان گفت پارک‌ها هم به نوعی در این کارآفرینی درگیر هستند. البته آقای مهندس نیکخواه که در پارک فناوری پردیس هستند قطعاً از من صاحب‌نظرترند. ولی آنچه که بنده احساس می‌کنم این است که آن‌هایی که در پارک‌ها مستقر هستند به نوعی تبدیل به کارآفرین می‌شوند به‌خصوص اگر که در فناوری نوین کار کنند، اصطلاحاً به آن‌ها می‌گویند کارآفرین تکنولوژیکی یا تکنوپلانوژیک.



شناسنامه گزارش	شماره مسلسل: ۸۱۹۱
<p>عنوان گزارش: سلسله مباحث کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی درباره: «بسترها و اقدامات قانونی و نهادی توسعه کارآفرینی در کشور» ۲. تجارب کارآفرینی در کشورهای اروپایی با تأکید بر کشور ایتالیا (سخنرانی آقای دکتر علی امامی میبدی)</p> <p>Report Title: String Siscussive of Workshop & Conceptualizing about: In frastructures Legal & Institutional acts for Entrepreneurship development in Iran third session: Entrepreneurship Experiences in European Countries Focused on Italy</p> <p>نام دفتر: مطالعات اقتصادی تنظیم گزارش: افشین حیدرپور سخنران: علی امامی میبدی ناظر علمی: — متقاضی: فراکسیون اشتغال و کارآفرینی مجلس ویراستار: —</p> <p>واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها: ۱. کارآفرینی در اروپا و ایتالیا (Entrepreneurship in Europe & Italy) ۲. کسب و کار کوچک و متوسط (Small and Medium Enterprise) ۳. مراکز رشد (Incubators Centers)</p> <p>منابع و مآخذ تهیه گزارش: —</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۱۱/۸</p>	